

معنی لغت‌های مهم درس

اِکتفا:	بسنده کردن، کفایت کردن	خَلَنگ:	نام گیاهی است
ذی‌حیات:	جاندار	غایی:	نهایی
مبتنی:	ساخته، بنا شده	مَخوف:	ترسناک، وحشتناک
موحش:	وحشت‌آور، ترسناک	نثار:	پیشکش کردن، افشاندن
پگاه:	صبح زود	مأذّه:	خوردنی، غذا
منحصر:	محدود	تمايز:	فرق گذاشتن

معنی عبارت‌های مهم

هر آفریده‌ای نشانه‌ی خداوند است اما هیچ آفریده‌ای نشان دهنده‌ی او نیست.

هر مخلوقی پدیدار کننده‌ی زیبایی خداوند است اما هیچ آفریده‌ای توانایی شناخت خداوند را ندارد.

ای کاش عظمت در نگاه تو باشد و نه در چیزی که بدان نگاه می‌کنی.

ای کاش دیدگاه تو و روح تو بزرگ باشد نه اشیایی که به آنها نگاه می‌کنی.

تا آنجا که ممکن است بار بشر را به دوش گرفتن.

تا آنجا که امکان و توانایی هست به ممنوع کمک کردن.

چه می‌شد اگر می‌توانستم به چشمانم بینشی تازه ببخشم.

چه خوب بود اگر می‌توانستم دیدگاهی نو و تازه نسبت به دنیا به دست آورم.

هر مخلوقی نشانی از هدایت و هیچ مخلوقی او را هویدا نمی‌سازد.

هر مخلوقی پدیدار کننده‌ی زیبایی‌های خداست اما هیچ مخلوقی توانایی شناخت خداوند را ندارد.

درست است که اعمال ما، ما را می‌سوزانند ولی تابندگی ما از همین است.

درست است که رفتار و کردار ما سبب سوختن و از بین رفتن ماست ولی ارزش و اعتبار ما از همین سوختن و گداختن است.

قلمرو زبانی

۱- کدام کلمات، در متن درس، برای شما جدید و غیرتکراری است؛ معنای هر یک را بنویسید.

ناتانائیل: یک شخصیت خیالی برای نویسنده است.

تصاحب: مالکیت

تملک: در اختیار داشتن

ناکارآمد: بی‌فایده

گُسْتَره: عرصه و میدان

بامداد پگاه: صبحگاه

۲- یک بند بنویسید و در آن، سه نشانه‌ی ندا به کار ببرید.

پروردگارا به درگاه تو پناه می‌آورم و تو نیز پناهم بخش. خدایا آن‌چنان کن که قدر نعمت بدانیم و شکر نعمت به جای آوریم.

ای خالق هستی مگذار دامن وجودم به پلیدی‌های گناه آلوده شود.

۳- در جمله‌ی زیر نقش دستوری واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

«ناتانائیل، با تو از انتظار سخن خواهم گفت»

منادا متمم متمم مفعول

قلمرو ادبی

۱- عبارت زیر را از نظر آرایه‌های ادبی بررسی کنید.

آسمان را دیده‌ام که در انتظار سپیده‌دم می‌لرزید. ستاره‌ها یک یک، رنگ می‌باختند. چمنزارها غرق در شبنم بودند.
مراعات نظیر (آسمان و ستاره- چمنزار و شبنم) تشخیص (انتظار کشیدن آسمان و لرزیدن)
کنایه (رنگ باختن کنایه از ناپدید شدن) اغراق (چمنزارها غرق در شبنم بودند)

۲- به کمک کلمه «شکوفایی» یک شبکه معنایی بسازید و آن را در یک بند، به کار ببرید.

بر پایه تناسب: شکوفایی، بهار، گل، درختان

در فصل بهار، درختان از خواب زمستاین بیدار می‌شوند و آرام آرام شکوفایی گل‌ها از آمدن فصلی نو سخن می‌گویند. طبیعت جانی دوباره می‌گیرد و پرندگان ترانه شادی می‌خوانند.

بر پایه هم معنایی: شکوفایی، رونق، رشد، پیشرفت

خرید کالای ایرانی یکی از عوامل اصلی رشد و پیشرفت اقتصادی و زمینه‌ساز رونق بازار داخلی کشور و شکوفایی اقتصاد جامعه است.

قلمرو فکری

۱- نیکوترین اندرز نویسنده چیست؟ درباره آن توضیح دهید. بار بشر را به دوش گرفتن، تأکید نویسنده بر تعهد و مسئولیت پذیری انسان‌ها نسبت به یکدیگر است.

۲- نویسنده درباره «انتظار» چه دیدگاهی دارد؟ انتظار باید پاک، عاشقانه، بدون چشم‌داشت و همراه با اشتیاق باشد.

۳- هر یک از موارد زیر، با کدام بخش از متن درس، تناسب معنایی دارد؟

■ به جهان خرم از آنم که جهان خرم از اوست عاشقم بر همه عالم که همه عالم از اوست
هرگز زیبایی لطیفی را در این جهان ندیده‌ام که بی‌درنگ خواسته باشم تمامی مهرم را نثارش کنم.

■ بسوز ای دل که تا خامی، نیاید بوی دل از تو کجا دیدی که بی آتش، کسی را بوی عود آمد
اعمال ما وابسته به ماست. درست است که ما را می‌سوزانند اما برایمان شکوه و درخشش به ارمغان می‌آورد و اگر جان ما ارزشی داشته باشد، برای این است که سخت تر از برخی جان‌های دیگر سوخته است.

■ غیبت نکرده‌ای که شوم طالب حضور پنهان نگشته ای که هویدا کنم تو را
خدا در همه جا هست، در هر جا که به تصور درآید و نیافتنی است.

۴- کدام عبارت درس، به مفهوم آیه شریفه «لا تُدرکُ الابصار و هو يُدرکُ الابصار» اشاره دارد؟

هر آفریده‌ای نشانه خداوند است اما هیچ آفریده‌ای نشان دهنده او نیست. (معنی آیه: دیده‌ها او را در نمی‌یابند ولی او دیده‌ها را درک می‌کند.)

۵- جمله «ای کاش عظمت در نگاه تو باشد.» را با سروده زیر از سهراب سپهری مقایسه کنید.

«چشم‌ها را باید شست، جور دیگر باید دید.»

هر دو عبارت، انسان را به نگاهی دقیق و زیبایی‌شناسانه و درک درست از جهان هستی، دعوت می‌کنند.

۶- در عبارت زیر، نویسنده بر چه چیزی تأکید دارد؟ توضیح دهید.

برای من «خواندن» این که شن ساحل‌ها نرم است، کافی نیست؛ می‌خواهم پاهای برهنه‌ام این نرمی را حس کند به چشم من، هر شناختی که مبتنی بر احساس نباشد، بیهوده است.

تجربه عینی و حسی از پدیده‌های جهان نه فقط تئوری و خواندن آن چیز.

درک و دریافت

۱- کدام شخصیت داستان، بیشتر مورد توجه شما قرار گرفت؟ چرا؟

کوزت. مظلومیت و تنهایی این دختر دل هر انسان آزاده‌ای را به درد می‌آورد. ستم و ظلمی که او از خانواده تناردیه در آن شب ترسناک می‌بیند هر دل نازکی را آزرده می‌سازد. از طرف دیگر بیان گیرای نویسنده دربارهٔ حالات این دختر سبب جلب توجه به شخصیت او می‌شود. به عبارتی نویسنده توانسته است در این قسمت، قهرمان خود را خوب پرورش و نشان دهد.

۲- دو نمونه از فضاسازی گیرا و جذاب را در داستان مشخص کنید.

کوزت بی‌حرکت مانده بود. در کوچه پیش رویش باز بود و سلط در دستش قرار داشت. به نظر می‌رسید که منتظر است تا کسی به کمکش آمد.

هر چه بیشتر می‌رفت، تاریکی غلیظ‌تر می‌شد. هیچ کس در راه نبود. با این همه با زنی روبه‌رو شد که چون او را دید ایستاد، لحظه‌ای با نگاه دنبالش کرد و زیر لب گفت: این بچه این وقت شب کجا می‌رود؟